

ارزیابی اثرات شهرک‌های صنعتی بر توسعه روستاهای پیرامون مطالعه موردی: شهرک صنعتی شباب (شهرستان شیروان و چرداول)

علیرضا جمشیدی^{۱*}، احمد تقدیسی^۲، علیرضا غلامی^۳، معصومه جمشیدی^۴

چکیده

یکی از سیاست‌های اساسی دولت ایران در توسعه روستایی، تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، کاهش نابرابری‌های فضایی بین مناطق شهری و روستایی از طریق استقرار صنعت در روستا و در قالب ایجاد شهرک‌های صنعتی است. پژوهش حاضر با هدف شناخت و تحلیل اثرات مثبت و منفی شهرک صنعتی شباب از توابع شهرستان شیروان و چرداول، استان ایلام بر روستاهای اطراف آن طراحی شده است. این پژوهش به صورت پیمایشی انجام گرفته، جامعه‌ی آماری تحقیق را ۱۳۰۰۰ روستایی ساکن در روستاهای اطراف این شهرک تشکیل می‌دهند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۶۴ نفر برآورد شده و نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و به صورت تصادفی با انتساب متناسب انتخاب گردیدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که روایی محتوایی ابزار توسط کارشناسان مطالعات روستایی مورد تأیید قرار گرفت. تعیین پایایی آن با انجام پیش‌آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأثیرات مثبت شهرک صنعتی شباب در منطقه نشان می‌دهد که اثرات اجتماعی (۳۲/۱۸ درصد)، کشاورزی (۱۳/۰۴ درصد)، کالبدی (۴/۱۸ درصد)، اقتصادی (۱۸/۲۸ درصد) و زیست‌محیطی (۵/۹۲ درصد)، در مجموع ۷۳/۶۰ درصد از کل واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. همان‌طور که از نتایج تحلیل عاملی پیداست، استقرار شهرک صنعتی مورد نظر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی دارای اثرات مثبت بیشتری نسبت به اثرات منفی این دو عامل می‌باشد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که شهرک صنعتی شباب در توسعه‌ی روستاهای پیرامونی خود مؤثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: شهرک‌های صنعتی، توسعه روستایی، اثرات مثبت، استان ایلام.

^۱ . دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ایران.

^۲ . استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ایران.

^۳ . دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ایران.

^۴ . دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول: Alireza472003@yahoo.com ، ۰۹۱۸۸۴۴۱۲۸۱

بیان مسأله :

توسعه روستایی بخشی از توسعه ملی است که اهداف آن با اهداف وسیع‌تری در سطح ملی مرتبط می‌باشد، اجتماعات شهری و روستایی به‌طور مکمل و به‌عنوان دو عامل مهم بر یکپارچگی سیستم اثر می‌گذارند. نقش و جایگاه روستاها در فرآیند توسعه و پیامدهای ناشی از توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (ازکیا، ۱۳۸۴). یکی از سیاست‌های اساسی دولت ایران در توسعه روستایی، تنوع بخشیدن به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، کاهش نابرابری‌های فضایی بین مناطق شهری و روستایی است، که این اهداف کلی در قالب برنامه‌ها و طرح‌هایی تدوین شده و به‌صورت هدایت شده در بخش‌های مختلف کشور به‌ویژه در نواحی روستایی در حال اجراست. در این زمینه گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به‌عنوان سنگ‌بنای استراتژی آینده مورد بحث قرار داده، و معتقدند صنعتی شدن روستایی در چارچوب طرح جامع ملی، و نیز افزایش نرخ صادرات در جهت ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها با سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین منطقه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر در فرآیند توسعه اقتصادی است. با عنایت به این مهم، در دو دهه‌ی اخیر استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی در دستور کار مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته است (مطیعی- لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی به‌عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، در حال حاضر بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌گردد (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۴). بر اساس این دیدگاه صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی عاملی در افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی محسوب می‌شود. تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی ضمن ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای اثرات تکاثری باشد، به‌طوری‌که تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییری ساختاری از طریق صنعتی شدن، نه تنها نقش اقتصادی با ارزش در مناطق روستایی ایجاد می‌کند بلکه منجر به اقتصاد خود رانشی می‌شود (Misra & et al, 1990: 17). بدین منوال، صنعتی شدن می‌تواند نقش بسیار مهمی در توسعه روستایی از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی ایفا نماید. این پژوهش بر اساس این مفهوم که صنعتی کردن روستاها یا استقرار شهرک‌های صنعتی در اطراف روستاها، باعث ایجاد اشتغال برای افراد بیکار در روستاها یا افراد روستایی مزاد بخش کشاورزی شده و این امر می‌تواند کمکی در راستای جلوگیری از جریان مهاجرت روستاییان بیکار به مراکز شهری شود، همچنین باعث تقویت پایه‌های اقتصادی مراکز روستای شده و باعث استفاده کامل از مهارت‌های موجود در ناحیه، فرآوری تولیدات کشاورزی محلی و تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی می‌شود، بررسی شده است. از این‌رو هدف اصلی این پژوهش بررسی، شناخت و تحلیل اثرات (منفی و مثبت) شهرک صنعتی شباب بر وضعیت توسعه روستاهای پیرامون خود می‌باشد. لذا با عنایت به هدف اصلی تحقیق، سؤال و فرضیه زیر مطرح می‌گردد:

- آثار و پیامدهای مثبت و منفی شهرک صنعتی شباب در توسعه روستاهای پیرامونی مورد مطالعه کدامند؟
- به‌نظر می‌رسد احداث شهرک صنعتی شباب بر عوامل اجتماعی بیشترین اثر را خواهد داشت.

پیشینه تحقیق :

مطالعات زیادی پیرامون استقرار صنعت و پیامدهای آن در فضاهای جغرافیایی صورت گرفته است؛ مهم‌ترین پیامدهای آن ایجاد رفاه، افزایش درآمد و فرصت‌های شغلی ذکر شده است که ابعاد متفاوتی چون پس‌انداز، مسکن، بهداشت، بیمه، تغییر الگوی مصرف، بهبود آموزش و بهبود گذران اوقات فراغت را در بر می‌گیرد. که به نتایج برخی از آنها اشاره می‌شود. هاگ در سال (۱۹۷۶) ضمن تحلیل فرآیند توسعه روستایی بر این باور است که در امتداد با دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، صنعت باید به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفته شود. ماهیت و الگوی صنعتی شدن چه در ابعاد کوچک مقیاس و یا صنایع دستی، و چه در ابعاد بزرگ مقیاس تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و

منطقه‌ای است. وی تصریح می‌کند که صنعتی شدن ضمن ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد هماهنگی موجب شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی است. راجرز (۱۹۷۸) با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان داد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه در بر داشته به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها شده است. آبراهام (۱۹۹۴) با بررسی الگوی صنعتی شدن روستایی هند معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی توانسته نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و درآمد داشته باشد. صنعتی شدن روستایی با استفاده از منابع محلی سبب تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع بوده و پلی است که پیوند بین مناطق شهری و روستایی ایجاد می‌کند و در واقع اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا کاهش می‌یابد. هانگ و همکاران (۲۰۰۸) با بررسی نقش خوشه‌های صنعتی در ناحیه روستایی ونژو در چین، بیان می‌دارد که این منطقه طی دهه‌های اخیر، به یکی از پویاترین بخش‌های خصوصی در چین تبدیل شده و بدین طریق سریع‌ترین رشد اقتصادی را داشته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که خوشه‌های صنعتی باعث تقسیم کار در جریان تولید شده و فرصت‌هایی برای شرکت‌های کوچک و کارآفرینان در منطقه فراهم آورده است. همچنین، در رابطه با اثرات محیطی استقرار صنایع در نواحی روستایی ونگ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان نواحی صنعتی روستایی و آلودگی آب در چین، این مسئله را مشکلی جدی قلمداد کرده‌اند و آلودگی منابع آب در این نواحی را در اثر استقرار این صنایع دانسته‌اند.

مطیعی لنگرودی سال ۱۳۸۰، در مطالعه خود به بررسی اثرات اقتصادی-اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی پرداخت. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که شهرک صنعتی مورد مطالعه تعداد زیادی از جمعیت روستاهای اطراف را جذب کار نموده و در زمینه ارتقای کیفی زندگی روستاییان منطقه مؤثر واقع شده است. ایجاد و گسترش صنعت در نواحی روستایی عامل ایجاد فعالیت‌های تلفیقی با کشاورزی و صنعتی در نواحی روستایی بوده و توان اشتغال‌زایی و به‌دنبال آن کسب درآمد در نواحی روستایی را افزایش داده است. همچنین، طاهرخانی (۱۳۸۰)، در مطالعه خود نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی در نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستاییان موفقیت‌آمیز نبوده است؛ چرا که اکثریت شاغلین نواحی صنعتی روستایی را ساکنان مناطق شهری تشکیل می‌دهند. همچنین، استفاده اندک از منابع محلی، عدم صدور کالاهای تولیدی و فقدان نظام آموزشی از دیگر یافته‌های تحقیق است. بررسی شاخص‌های توسعه نزد شاغلین نواحی صنعتی و ساکن در مناطق روستایی در دوره قبل و بعد از اشتغال، بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار در الگوی مصرف مواد غذایی و استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. همچنین مالکیت خصوصی مسکن، بیمه و تأمین اجتماعی، مشارکت‌های روستایی و ضریب امنیت شغلی در دوره قبل و بعد از اشتغال از تفاوت معنی‌دار برخوردار بوده‌اند.

رضوانی و همکاران (۱۳۷۹)، در پژوهش خود تحت عنوان تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، به این نتیجه رسیدند که ارتقاء کلی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی روستاییان شاغل پس از ایجاد ناحیه صنعتی بوده و آثار مثبتی در زمینه‌های بیمه اجتماعی، اشتغال و درآمد، مشارکت، توسعه مسکن، تغذیه و رفاه اجتماعی به همراه داشته است. همچنین، مطیعی لنگرودی و نجفی‌کانی (۱۳۸۶)، در پژوهش خود صنعتی شدن را به‌عنوان یک تصمیم سرنوشت‌ساز برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال رشد در نظر گرفته و به بررسی و ارزیابی شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی شهرستان بابل پرداخته‌اند. نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد که اکثر شاخص‌های توسعه اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک، و کالاهای مصرفی)، مسکن، بیمه، رضایت و امنیت شغلی، آموزش، انگیزه ماندگاری در روستا تفاوت معناداری را نشان دادند.

سرورامینی و همکاران در ۱۳۸۹، به بررسی اثرات شهرک صنعتی اشتهارد بر توسعه روستاهای همجوار پرداختند. نتایج تحلیل عاملی اثرات مثبت شهرک صنعتی اشتهارد در منطقه نشان داد که ۵ عامل اثرات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، کشاورزی و زیست‌محیطی در مجموع ۶۵/۹۸ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. اثرات منفی شهرک صنعتی اشتهارد نیز در منطقه شامل ۴ عامل اثرات اجتماعی، اقتصادی، کشاورزی و زیست‌محیطی ۶۳/۱۵۹ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند. مطیعی لنگرودی

و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به ارزیابی پیامدهای فضایی استقرار شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی در ابعاد مختلف فضایی پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از وجود تفاوت‌های معناداری در زمینه‌ی میزان درآمد، پس‌انداز، رضایت شغلی و امنیت شغلی می‌باشد. همچنین، در زمینه‌ی پیامدهای محیطی - کالبدی می‌توان به آلودگی هوا، تغییر کاربری وسیع اراضی کشاورزی مرغوب و تغییر در چشم‌انداز محیطی اشاره کرد.

با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان دریافت که امروزه صنعت به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی و محوری در توسعه و مخصوصاً توسعه مناطق عقب مانده، نقش اساسی و ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. زیرا عوامل تولید در بخش صنعت بر خلاف بخش کشاورزی از قابلیت جابجایی و انعطاف‌پذیری بیشتری با شرایط محیطی و اوضاع منطقه‌ای و ملی برخوردار است (کلانتری، ۱۳۸۰). اثرات صنعتی شدن در همه بخش‌های اقتصادی احساس شده و باعث تحرک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می‌شود (کاسترو، ۱۳۶۵). لذا صنعتی شدن روستایی به‌عنوان قسمتی از سیاست توسعه همه جانبه روستایی، از یک سو قادر است به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و از سوی دیگر با تأمین نیازهای اساسی جمعیت روستایی می‌تواند گامی در جهت توسعه روستایی بردارد. لذا کوشش برای تمرکززدایی پاره‌ای از صنایع به‌خصوص صنایع تبدیلی جهت استفاده بهینه از منابع محلی برای افزایش تولید و مصرف در ابعاد محلی، حرکتی ضروری جهت حصول به توسعه روستایی است. این حرکت در بلندمدت علاوه بر ایجاد اشتغال، به توزیع درآمد و تولید پایدار نیز مساعدت می‌نماید (UNIDO, 1984). صنعتی شدن از چنان اهمیتی برخوردار است که تحقق پیشرفت‌های فنی و کاربرد آن در صنعت در طی سه قرن اخیر دلیل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته در جهان امروز است. کشورهای توسعه یافته هر کدام با فاصله زمانی متفاوت به مرحله صنعتی شدن رسیده و ناگهان پس از رسیدن به این مرحله خیزش بزرگ خود را در توسعه اقتصادی آغاز نموده‌اند (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۸). به‌طوری‌که آنچه که اکنون سبب تفاوت در درجه توسعه یافتگی کشورهای جهان گشته، میزان فعالیت‌های صنعتی این کشورها و توان نیروی کار آنها در ارتقاء کمی و کیفی تولیدات می‌باشد. همچنین، مقایسه کشورهای مختلف جهان در چند دهه‌ی اخیر از لحاظ درجه توسعه یافتگی کاملاً بیانگر ادعای مذکور است (UNIDO, 1991).

مبانی نظری :

به صنعتی کردن روستاها از دو دیدگاه می‌توان نگریست. دیدگاه نخست ایجاد و استقرار صنعت در روستاها است. این دیدگاه بر این نکته تأکید دارد که با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار، چه صنایعی می‌توانند در مناطق روستایی استقرار یافته یا توزیع شوند. دیدگاه دوم صنعتی کردن روستا می‌باشد. در این دیدگاه مسئله صنعتی کردن روستاها هم یک فرایند فرعی و هم وسیله‌ای برای متنوع کردن و نوسازی اقتصاد روستایی تلقی می‌شود (پاپلی‌یزدی و همکاران، ۱۳۸۷). از آنجا که صنعتی کردن روستا به استقرار صنعت در مراکز آن اشاره دارد و باعث ایجاد اشتغال غیرکشاورزی، کمک به جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری، تقویت پایه‌های اقتصادی مراکز روستای، استفاده کامل از مهارت‌های موجود در ناحیه، فرآوری تولیدات کشاورزی محلی و تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی می‌شود (سرورامینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

لذا، در صورتی‌که صنعتی شدن روستا در یک منطقه با دیگر بخش‌های آن، از جمله کشاورزی متناسب باشد، می‌توان شاهد افزایش درآمد و به تبع آن افزایش پس‌انداز روستاییان بود که این امر می‌تواند باعث سرمایه‌گذاری در توسعه روستا گردد (Zhang, 1994: 22). همچنین می‌توان شاهد رونق بخش کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصاد ملی بود (حقیقی، ۱۳۸۰: ۵۵). بدین ترتیب، صنعتی‌سازی روستایی فرایندی است که ابزارهایی برای متنوع کردن اقتصاد روستایی فراهم آورده و همچنین راهبردی است که فقر روستایی را کاهش داده و با توسعه صنایع، از دیدگاه اقتصاد روستایی و اقتصاد ملی (Lee, 2001: 3)، توسعه متعادل میان خانوارهای شهری و روستایی، بخش کشاورزی و صنعت و بالاخره اقتصاد منطقه‌ای و تمرکز-زدایی صنعتی و شهری را میسر می‌سازد (Choi, 2001: 1). آنچه مسلم است شناخت و ارزیابی این پیامدها در ابعاد مختلف فضایی می‌تواند از یک سو گویای میزان اثر بخشی این برنامه‌ها و طرح‌ها باشد و جایگاه عملکردی این گونه فعالیت‌ها

را در راستای اهداف توسعه محلی و منطقه‌ای نشان دهد و از سوی دیگر گامی باشد در جهت برنامه‌ریزی و انتظام فضایی نواحی که این فعالیت‌ها در آنجا استقرار یافته‌اند و یا به نوعی از آن بهره‌مند می‌شوند.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و با توجه به گستردگی محدوده تحقیق، به صورت پیمایشی و تک مقطعی انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق را ۱۳۰۰۰ روستایی ساکن در روستاهای اطراف شهرک صنعتی شهاب واقع در شهرستان شیروان چرداول تشکیل می‌دهند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران و روش تصادفی با انتساب متناسب تعداد ۳۶۴ نفر به‌عنوان نمونه تعیین گردید. در این روش نمونه‌گیری ابتدا ۱۵ روستا که در فاصله کمتری نسبت به این شهرک صنعتی قرار داشتند، انتخاب و با توجه به تعداد افراد در هر روستا، تعدادی نمونه متناسب با عداد جمعیت هر روستا مشخص گردید، سپس به طور تصادفی پرسش‌نامه‌ها در میان افراد ساکن در هر روستا توزیع شد.

ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه می‌باشد که روایی محتوایی گویه‌ها توسط کارشناسان مطالعات روستایی مورد تأیید قرار گرفت. به منظور بررسی پایایی ابزار مورد تحقیق مطالعه‌ی پیش‌راهنما، یک نمونه ۳۰ نفری خارج از نمونه اصلی (در شهر سرابله) انتخاب و پرسشنامه بین آنها توزیع و نظرات آنها جمع‌آوری گردید، سپس بر مبنای نتایج تغییرات لازم در پرسش‌نامه مذکور صورت گرفت. نتایج به دست آمده از پیش‌آزمون، حاکی از اعتماد یا پایایی قابل قبول ابزار مورد مطالعه می‌باشد (آلفای کرونباخ محاسبه شده برای اثرات مثبت و منفی شهرک صنعتی به ترتیب برابر است با ۰/۸۷۵ و ۰/۸۴۵). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی عمیق‌تر موضوع و دسته‌بندی متغیرها علاوه بر آماره‌های توصیفی، از تحلیل عاملی استفاده شده است. هدف از تحلیل عاملی تلخیص تعداد زیادی متغیر در قالب تعداد مشخصی عامل می‌باشد، البته در این تفکیک، هر یک از متغیرها با عنوان یک متغیر وابسته لحاظ می‌گردد. جهت تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی از روش KMO و آزمون بارتلت استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق:

نتایج اولیه نشان داد، میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۵۲/۶ سال و متوسط بُعد خانوار در حدود ۵ نفر می‌باشد. ۱۷/۵ درصد از افراد نمونه بی‌سواد و نیز ۵۵ درصد دارای سوادی در سطح ابتدایی می‌باشند. همچنین ۲۲/۵ درصد افراد از محل سکونت اصلی خود به روستاهای نزدیک به شهرک صنعتی شهاب نقل مکان کرده‌اند. از میان کل افراد مورد مطالعه ۱۶/۵ درصد در شهرک صنعتی شهاب مشغول به کار هستند که از این میان ۷۵/۵ درصد کارگر ساده و بقیه به‌صورت کارگر نیمه‌ماهر یا کارگر فنی و استادکار مشغول به کار می‌باشند. متوسط فاصله روستاهای مورد مطالعه تا شهرک صنعتی شهاب ۳/۵ کیلومتر می‌باشد. همچنین، شغل اصلی ۶۵ درصد خانوارهای مورد مطالعه کشاورزی بود. درآمد حدود ۵۰ درصد خانوارها از راه شغل اصلی تأمین می‌شود. از بین افراد شاغل در شهرک صنعتی شهاب ۵ درصد آنها دارای مدرک فنی بود و ۴۵ درصد کل افراد شاغل در این شهرک که در روستاهای مورد مطالعه به صورت تمام وقت استخدام شده بودند و دارای بیمه کار می‌باشند.

بررسی اثرات شهرک صنعتی در منطقه مورد مطالعه:

با توجه به جدول شماره ۱ از بین اثرات مثبت شهرک صنعتی شهاب بر روستاهای اطراف آن، افزایش درآمد روستاییان، افزایش متوسط قدرت خرید روستاییان، افزایش فرصت اشتغال در روستاها و فراهم شدن زمینه اشتغال برای قشر تحصیل کرده روستایی منطقه به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را از نظر دیدگاه روستاییان این مناطق کسب نموده‌اند. که جزء مهم‌ترین اثرات شناخته شده از نظر روستاییان می‌باشد. همچنین از نظر روستاییان ساکنان اطراف شهرک صنعتی شهاب، چهار گویه تفکیک فضاها در روستاها، بهبود کیفی خیابان‌ها و کوچه‌های روستا، بازسازی و بالارفتن کیفیت خانه‌های روستایی و کاهش آلودگی شهرها ی منطقه نسبت به سایر عوامل از اهمیت کمتری برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱- رتبه‌بندی اثرات مثبت شهرک صنعتی شباب از نظر روستاییان مورد مطالعه

رتبه	انحراف معیار	میانگین	متغیرها (اثرات مثبت)
۱	۰/۷۸۲	۴/۷۱	افزایش درآمد روستاییان
۲	۰/۷۹۵	۴/۷	افزایش متوسط قدرت خرید روستاییان
۲۲	۱/۲۸	۳/۵۲	جذب سرمایه‌های شهری به روستاها
۲۳	۱/۳۱	۳/۵	افزایش قیمت محصولات کشاورزی
۲۴	۱/۳۳	۳/۴۸	افزایش قدرت خرید نهاده‌های کشاورزی
۱۶	۰/۹۸۲	۳/۸۸	بالا رفتن متوسط تولید محصولات کشاورزی و دامی
۱۵	۰/۹۵۲	۳/۹	اطمینان روستاییان از کسب درآمد ثابت
۱۴	۰/۹۲۵	۳/۹۱	بالا رفتن درجه مکانیزاسیون در فعالیت کشاورزی
۱۷	۱/۰۱	۳/۸	فروش راحت‌تر و بیشتر محصولات کشاورزی و دامی
۲۰	۱/۱۹	۳/۶۱	کاهش نابرابری در منطقه
۱۸	۱/۰۹	۳/۷۱	افزایش ارزش اراضی کشاورزی
۱۹	۱/۱۲	۳/۶۷	ارزشمند شدن خانه‌های روستایی همجوار شهرک
۶	۰/۸۳۲	۴/۵۲	تغییر الگوی مصرف غذایی
۱۲	۰/۸۹۹	۴/۰۵	ایجاد و افزایش مشاغل خدماتی
۲۱	۱/۲۱	۳/۵۹	مهاجرپذیر شدن روستاها
۸	۰/۸۴۳	۴/۴۵	کاهش مهاجرت به شهرها
۳	۰۳/۸۰۴	۴/۶۱	افزایش فرصت اشتغال در روستاها
۵	۰/۸۲۲	۴/۵۴	بهبود کیفیت راه‌های ارتباطی در منطقه
۹	۰/۸۵۰	۴/۴۰	بهبود کمی و کیفی وسایل حمل و نقل در روستا
۴	۰/۸۱۰	۴/۶۰	فراهم شدن زمینه اشتغال قشر تحصیل کرده روستایی
۷	۰/۸۳۹	۴/۴۹	فراهم شدن فصلی اشتغال برای کشاورزان
۱۳	۰/۹۱۲	۳/۹۹	بالا رفتن آگاهی تخصصی در روستاها
۱۱	۰/۸۹۵	۴/۱	دسترسی راحت‌تر روستاییان به تولیدات شهرک
۱۰	۰/۸۷۵	۴/۳	افزایش فرصت ادامه تحصیل برای فرزندان روستاییان
۲۷	۱/۴۵	۳/۴	بازسازی و بالا رفتن کیفیت خانه‌های روستایی
۲۶	۱/۴۱	۳/۴۴	کاهش آلودگی شهرهای منطقه
۲۵	۱/۳۵	۳/۴۵	استفاده از محصولات کشاورزی در صنعت
۲۹	۱/۶۷	۳/۱	تفکیک فضاها در روستاها
۲۸	۱/۵۷	۳/۲	بهبود کیفی خیابان‌ها و کوچه‌های روستا

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۸۹

با توجه به یافته‌های میدانی تحقیق، رتبه اول تا چهارم اثرات منفی شهرک صنعتی شباب بر روستاهای مجاور آن شامل گویه- های آلوده شدن آب‌های زیرزمینی روستاهای اطراف شهرک مزبور، انتقال مازاد درآمد روستاییان و سرمایه‌گذاری در شهرها، کاهش توجه به کشاورزی و مشکلات موجود در این بخش و کاهش علاقه فرزندان خانوار به کشاورزی می‌باشد. همچنین، افزایش غیرواقعی قیمت اراضی مسکونی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، آلودگی آب‌های کشاورزی و آلودگی‌های صوتی ناشی از کار واحدهای صنعتی در روستاهای اطراف شهرک صنعتی شباب به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین اثرات منفی معرفی شده‌اند. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- رتبه‌بندی اثرات منفی شهرک شباب از نظر روستاییان مورد مطالعه

رتبه	انحراف معیار	میانگین	متغیرها (اثرات منفی)
۲	۰/۷۲۸	۴/۸۱	انتقال مازاد درآمد روستاییان و سرمایه‌گذاری در شهرها
۷	۰/۹۰۵	۴/۱۸	فروش و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی
۱۸	۱/۳۲	۳/۲۷	افزایش غیرواقعی قیمت اراضی مسکونی
۱۱	۱/۱۷۳	۴/۵۸	افزایش درآمد گروهی از افراد روستایی
۱۹	۱/۴۲	۳/۴۲	کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی
۱	۰/۶۲۸	۴/۶۳	آلوده شدن آب‌های زیرزمینی روستاهای اطراف شهرک‌های
۳	۰/۸۴۹	۴/۷۸	کاهش توجه به کشاورزی و مشکلات موجود در این بخش
۲۰	۱/۲۴	۲/۸	آلودگی آب‌های کشاورزی
۲۱	۱/۲۱	۲/۶۴	آلودگی‌های صوتی ناشی از کار واحدهای صنعتی
۶	۰/۷۸۱	۳/۷۰	تخریب مراتع
۱۲	۱/۱۰۸	۴/۰۰۶	قطبی شدن منطقه
۸	۰/۶۳۵	۲/۸۴	بکارگیری گروه خاصی از افراد روستایی
۱۳	۰/۹۸۱	۳/۳۲	کاهش نیروی کار جوان در بخش کشاورزی
۴	۰/۸۴	۴/۶۶	کاهش علاقه فرزندان خانوار به کشاورزی
۱۴	۰/۹۷۹	۳/۱۱	آلودگی هوا در روستا
۱۵	۰/۸۷۸	۲/۷	انتقال آب کشاورزی به صنعت
۵	۰/۸۷۹	۴/۴۵	تأمین بیشتر نیروی کار شهرک صنعتی از شهرها
۱۶	۱/۰۴۴	۲/۶۸	توسعه نسبی روستاهای نزدیک به شهرک صنعتی
۱۷	۱/۰۹۷	۲/۸	ترک تحصیل فرزندان بعضی از خانوارها
۱۰	۰/۹۴۹	۳/۷۷	مصرفی شدن خانوارها
۹	۰/۷۴۱	۳/۲	اثر سوء بر بازارهای سنتی روستاها

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۸۹

تحلیل عاملی مربوط به اثرات منفی شهرک صنعتی شباب :

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی مقدار KMO برابر با ۰/۷۱۲ و مقدار بارتلت $۳۳۷۸/۶$ می‌باشد که در سطح معنی‌داری ۱٪ قرار دارد. در این بررسی با توجه به ملاک کیسر، ۵ عامل دارای مقدار ویژه بالاتر از یک بودند که برای منطقه مورد مطالعه استخراج گردید که نتیجه تحلیل‌ها در جدول شماره ۳ ذکر شده است. مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این ۵ عامل برای شهرک صنعتی شباب معادل ۷۲/۵۴ به دست آمد. در منطقه مورد مطالعه عامل اجتماعی بالاترین مقدار ویژه یعنی معادل ۶/۵۲ که تبیین‌کننده ۲۷/۸۲ واریانس کل برای شهرک صنعتی شباب است، و به‌عنوان مهم‌ترین اثر از میان اثرات منفی شهرک‌های صنعتی مزبور بر روستاهای همجوار به شمار می‌آید.

جدول ۳- عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی اثرات منفی شهرک صنعتی شباب

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
اول	۶/۵۲	۲۷/۸۲	۲۷/۸۲
دوم	۳/۳۱	۱۳/۸۰	۴۱/۶۲
سوم	۲/۸۷	۱۰/۹۲	۵۲/۵۴
چهارم	۲/۹۵	۱۱/۱۲	۶۳/۶۶
پنجم	۲/۰۱	۸/۸۸	۷۲/۵۴
KMO=۰/۶۷۸ Sig = ۰/۰۰۰ Bartlett's Test = ۳۳۷۸/۶			

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۸۹

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که متغیرهای تشکیل دهنده عامل اول عبارتند از: مصرفی شدن خانوارها، اثر سوء بر بازارهای سنتی روستا، ترک تحصیل فرزندان برخی خانوارها، تأمین اغلب نیروی کار شهرک صنعتی از شهرها، کاهش علاقه-ی فرزندان روستاییان به کشاورزی، کاهش نیروی کار جوان در بخش کشاورزی و به‌کارگیری گروه‌های خاص از افراد روستایی که با توجه به این متغیرها عامل اول، اثرات اجتماعی نامیده شد که این عامل برای شهرک مورد نظر ۲۷/۸۲ درصد کل واریانس را تبیین کرد. متغیرهای عامل دوم عبارتند از: آلودگی هوای روستا، تخریب مراتع، آلودگی صوتی ناشی از کار واحدهای صنعتی، آلودگی آب‌های کشاورزی و آلوده شدن آب‌های زیرزمینی روستاهای اطراف این شهرک‌ها که به نام عامل زیست‌محیطی نام‌گذاری گردیدند. که این عامل برای شهرک صنعتی مورد نظر ۱۳/۸۰ درصد واریانس کل را تبیین کرد. عامل سوم شامل: فروش و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، کاهش توجه به کشاورزی و مشکلات موجود در این بخش و انتقال آب کشاورزی به صنعت که تحت عنوان عامل کشاورزی نام‌گذاری شد که ۱۰/۹۲ درصد واریانس کل توسط این عامل تبیین گردیده است. عامل اقتصادی شامل: انتقال مازاد درآمد روستاییان جهت سرمایه‌گذاری در شهرها، افزایش درآمد گروهی از افراد روستایی و افزایش غیر واقعی قیمت اراضی مسکونی است که ۱۱/۱۲ درصد کل واریانس به وسیله این عامل، در منطقه مورد مطالعه، تبیین گردید. نهایتاً عامل آخر تحت عنوان عامل کالبدی نام‌گذاری شد که شامل: توسعه نسبی روستاهای نزدیک به شهرک‌ها نسبت به سایرین و قطبی شدن منطقه است. که در مورد شهرک صنعتی شباب ۸/۸۸ درصد واریانس کل توسط این عامل تبیین گردید.

جدول ۴- اثرات منفی استخراج شده مربوط به شهرک صنعتی شباب همراه با بار عاملی

اثرات	متغیرها	بار عاملی
اجتماعی (۲۷/۸۲)	مصرفی شدن خانوارها	۰/۷۱۲
	اثر سوء بر بازارهای سنتی روستا	۰/۸۲۳
	ترک تحصیل فرزندان برخی خانوارها	۰/۸۰۱
	تأمین اغلب نیروی کار شهرک صنعتی از شهرها	۰/۷۱۱
	کاهش علاقه فرزندان به کشاورزی	۰/۷۲۲
	کاهش نیروی کار جوان در بخش کشاورزی	۰/۷۳۱
	بکارگیری گروه‌های خاص از افراد روستایی	۰/۷۱۲
زیست محیطی (۱۳/۸۰)	آلودگی هوای روستا	۰/۷۰۱
	تخریب مراتع	۰/۸۴۵
	آلودگی صوتی ناشی از کار واحدهای صنعتی	۰/۶۰۱
	آلودگی آب‌های کشاورزی	۰/۶۸۵
کشاورزی (۱۰/۹۲)	آلوده شدن آب‌های زیرزمینی روستاهای اطراف این شهرک‌ها	۰/۷۱۲
	فروش و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی	۰/۷۸۲
	کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۰/۷۵۲
	کاهش توجه به کشاورزی و مشکلات موجود در این بخش	۰/۷۰۲
اقتصادی (۱۱/۱۲)	انتقال آب کشاورزی به صنعت	۰/۶۸۲
	انتقال مازاد درآمد روستاییان جهت سرمایه‌گذاری در شهرها	۰/۷۳۲
	افزایش درآمد گروهی از افراد روستایی	۰/۷۱۵
کالبدی (۸/۸۸)	افزایش غیرواقعی قیمت اراضی مسکونی	۰/۶۹۸
	توسعه نسبی روستاهای نزدیک به شهرک‌ها نسبت به سایرین	۰/۷۵۸
	قطبی شدن منطقه	۰/۷۱۲

مأخذ: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۸۹

تحلیل عاملی مربوط به اثرات مثبت شهرک صنعتی شباب :

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی مقدار KMO برابر به $۰/۶۸$ و مقدار بارتلت $۴۵۱۶/۲$ است که در سطح معنی‌داری ۱ درصد قرار دارد. در این بررسی با توجه به ملاک کیسر، ۵ عامل دارای مقدار ویژه‌ی بالاتر از یک بودند که برای منطقه مورد مطالعه استخراج شد. مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این ۵ عامل برای شهرک صنعتی شباب معادل $۷۳/۶۰$ بود. در هر منطقه‌ی مورد مطالعه، عامل اجتماعی دارای بالاترین مقدار ویژه، $۷/۸۲$ که تبیین‌کننده‌ی $۳۲/۱۸$ واریانس کل برای شهرک صنعتی شباب، بود و به عنوان مهم‌ترین اثر از میان اثرات مثبت شهرک صنعتی مزبور بر روستاهای همجوار به شمار می‌آید. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی اثرات مثبت شهرک صنعتی شباب

عوامل	مقدار ویژه	درصد مقدار ویژه	درصد فراوانی تجمعی واریانس
اول	۷/۸۲	۳۲/۱۸	۳۲/۱۸
دوم	۴/۸۲	۱۳/۰۴	۴۵/۲۲
سوم	۲/۰۲	۴/۱۸	۴۹/۴۰
چهارم	۵/۱۲	۱۸/۲۸	۶۷/۶۸
پنجم	۲/۸۲	۵/۹۲	۷۳/۶۰
KMO = ۰/۷۱۲ Sig = ۰/۰۰۰ Bartlett's Test = ۴۵۱۶/۲			

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که متغیرهای تشکیل دهنده عامل اول با عنوان اثرات اجتماعی، شامل: مهاجر پذیر- شدن روستاها، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش فرصت‌های اشتغال در روستاها، بالا رفتن آگاهی و تخصص در بین روستاییان، افزایش فرصت ادامه تحصیل فرزندان روستاییان، دسترسی راحت‌تر روستاییان به تولیدات صنعتی، فراهم شدن زمینه اشتغال برای تحصیل کردگان روستایی منطقه، فراهم شدن زمینه اشتغال فصلی کشاورزان، افزایش فرصت اشتغال در روستاها و بهبود کمی و کیفی وسایل حمل و نقل در روستاهای منطقه که با توجه به این متغیرها عامل اثرات اجتماعی نامیده شد، که برای شهرک صنعتی شباب ۳۲/۱۸ درصد کل واریانس را تبیین می‌کند. متغیرهای عامل دوم با عنوان عامل کشاورزی عبارتند از: فروش راحت‌تر و بیشتر محصولات کشاورزی و دامی تولیدی در منطقه، بالا رفتن درجه مکانیزاسیون در فعالیت‌های کشاورزی، بالا رفتن متوسط تولید محصولات کشاورزی و دامی تولیدی در منطقه، افزایش قیمت محصولات کشاورزی، افزایش قدرت خرید نهاده‌های کشاورزی و استفاده از محصولات کشاورزی به‌عنوان مواد خام صنعتی که برای شهرک صنعتی شباب ۱۳/۰۴ درصد واریانس کل را تبیین کرد. عامل سوم با عنوان عامل کالبدی شامل: ارزشمند شدن خانه‌های روستایی، بهبود کیفیت راه‌های ارتباطی در منطقه، بازسازی و بالا رفتن کیفیت خانه‌های روستایی، تفکیک فضاها در روستاها و بهبود کیفی خیابان‌ها و کوچه‌های روستاها است که در مورد شهرک صنعتی شباب ۴/۱۸ درصد واریانس کل توسط این عامل تبیین شد. عامل اقتصادی شامل: افزایش درآمد روستاییان، افزایش متوسط قدرت خرید روستاییان، جذب سرمایه‌های شهری به مناطق روستایی، افزایش قیمت محصولات کشاورزی و اطمینان روستاییان از کسب درآمد ثابت است که در شهرک صنعتی شباب ۱۸/۲۸ درصد کل واریانس به‌وسیله این عامل تبیین گردید. نهایتاً عامل آخر تحت عنوان عامل زیست‌محیطی نام‌گذاری شد که کاهش آلودگی شهرهای منطقه به عنوان متغیر توضیح دهنده آن می‌باشد.

جدول ۶- اثرات مثبت استخراج شده مربوط شهرک صنعتی شباب همراه با بار عاملی آنها

اثرات	متغیرها*	بار عاملی
اجتماعی (۳۲/۱۸)	مهاجرپذیر شدن روستاها	۰/۸۷۲
	کاهش مهاجرت به شهرها	۰/۷۱۲
	افزایش فرصت‌های اشتغال در روستاها	۰/۸۷۴
	بالا رفتن آگاهی و تخصص در بین روستاییان	۰/۷۲۵
	افزایش فرصت ادامه تحصیل فرزندان روستاییان	۰/۶۵۲
	دسترسی راحت‌تر روستاییان به تولیدات صنعتی	۰/۸۰۲
	فراهم شدن زمینه اشتغال برای تحصیل کردگان روستایی	۰/۸۸۲
	فراهم شدن زمینه اشتغال فصلی کشاورزان	۰/۷۹۵
	افزایش فرصت اشتغال در روستاها	۰/۷۴۳
کشاورزی (۱۳/۰۴)	بهبود کمی و کیفی وسایل حمل و نقل در روستاهای	۰/۸۰۸
	فروش راحت‌تر و بیشتر محصولات کشاورزی و دامی	۰/۸۰۲
	بالا رفتن درجه مکانیزاسیون در فعالیت‌های کشاورزی	۰/۶۵۲
	بالا رفتن متوسط تولید محصولات کشاورزی و دامی	۰/۶۰۸
	افزایش قیمت محصولات کشاورزی	۰/۷۱۲
	افزایش قدرت خرید نهاده‌های کشاورزی	۰/۷۸۷
کالبدی (۴/۱۸)	استفاده از محصولات کشاورزی به‌عنوان مواد خام صنعتی	۰/۷۵۵
	ارزشمند شدن خانه‌های روستایی	۰/۵۵۲
	بهبود کیفیت راه‌های ارتباطی در منطقه	۰/۶۸۲

۰/۶۰۴	بازسازی و بالا رفتن کیفیت خانه‌های روستایی	
۰/۶۸۹	تفکیک فضاها در روستاها	
۰/۶۹۱	بهبود کیفی خیابان‌ها و کوچه‌های روستاها	
۰/۷۰۹	تغییر الگوی مصرفی غذا	اقتصادی (۱۸/۲۸)
۰/۶۹۸	افزایش درآمد روستاییان	
۰/۶۰۲	افزایش متوسط قدرت خرید روستاییان	
۰/۵۰۱	جذب سرمایه‌های شهری به مناطق روستایی	
۰/۵۹۸	افزایش قیمت محصولات کشاورزی	
۰/۵۰۸	اطمینان روستاییان از کسب درآمد ثابت	
۰/۷۵۹	کاهش آلودگی شهرهای منطقه	زیست‌محیطی (۵/۹۲)

* تمامی اثرات مربوط به روستاهای همجوار شهرک صنعتی می‌باشد.

نتیجه گیری :

بدون تردید یکی از تصمیمات سرنوشت‌ساز در زمینه توسعه اقتصادی، اجتماعی در کشورهای جهان سوم صنعتی شدن است و ضرورتی غیر قابل انکار می‌باشد. ایجاد و استقرار صحیح این فعالیت‌ها در نواحی روستایی اگر در چارچوب ضوابط و اصول منطقی باشد می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی مهم توسعه روستایی زمینه‌ساز تحولات و پیشرفت‌هایی در ابعاد مختلف فضای روستاها گردد. همچنین عدم رعایت این ضوابط و اصول آسیب‌های جبران ناپذیری را بر ساختار جوامع روستایی می‌تواند وارد کند. نتایج حاصل از رتبه‌بندی اثرات مثبت شهرک صنعتی شباب از نظر روستاییان نشان داد، روستاهای اطراف شهرک صنعتی دارای اولویت‌های مثبت نسبتاً متفاوتی هستند. از نظر ساکنان روستاهای اطراف شهرک صنعتی شباب اولویت‌های مثبت مانند افزایش درآمد، افزایش متوسط قدرت خرید روستاییان، افزایش فرصت اشتغال و فراهم شدن زمینه اشتغال برای قشر تحصیل کرده روستایی قابل توجه می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از اولویت‌بندی اثرات منفی شهرک شباب بر روستاهای مجاور حاکی از عدم یکسانی آنها بود.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی، عامل اول استخراجی مربوط به اثرات مثبت شهرک‌های صنعتی شباب با عنوان اثرات اجتماعی، نشان می‌دهد که شهرک صنعتی باعث مهاجر پذیر شدن روستاها، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش فرصت‌های اشتغال در روستاها، بالا رفتن آگاهی و تخصص در بین روستاییان، ادامه افزایش فرصت تحصیل فرزندان روستاییان، دسترسی راحت‌تر روستاییان به تولیدات صنعتی، فراهم شدن زمینه اشتغال برای تحصیل کردگان روستایی منطقه، فراهم شدن زمینه اشتغال فصلی کشاورزان، افزایش فرصت اشتغال در روستاها و افزایش فرصت ادامه تحصیل فرزندان روستاییان شده‌اند، که دارای بار عاملی ۳۲/۱۸ برای شهرک صنعتی شباب می‌باشد. همچنین عامل اول استخراجی مربوط به اثرات منفی شهرک شباب، مربوط به عامل اجتماعی است که نشان می‌دهد، شهرک صنعتی مورد نظر باعث مصرفی شدن خانوارها، ترک تحصیل فرزندان برخی از خانوارها، اثر سوء بر بازارهای سنتی روستا، تأمین اغلب نیروی کار شهرک صنعتی از شهرها، کاهش علاقه‌ی فرزندان روستاییان به کشاورزی، کاهش نیروی کار جوان در بخش کشاورزی و به‌کارگیری گروه‌های خاص از افراد روستایی شده است.

پیشنهادات :

- با توجه به تأثیر مثبت این شهرک در افزایش درآمد روستاییان، لذا فراهم کردن بسترهای مشارکت مالی روستاییان در ایجاد نواحی صنعتی روستایی و فعالیت در آن؛ از مواردی مهم و در پایداری معیشت روستاییان منطقه مورد مطالعه می‌تواند باشد. بنابراین، این باید به سمتی حرکت کند که بتواند زمینه سرمایه‌گذاری روستاییان را در این بخش فراهم کند و یا

حداقل قادر به جذب پس‌انداز روستاییان باشد. در این راستا سازمان صنایع و معادن و یا سازمان‌های متولی این امر می‌توانند با اعطای امتیازات و اعتبارات مخصوص به صاحبان صناعی که از سرمایه‌گذاری روستاییان (گرچه اندک باشد) استقبال و استفاده می‌کنند که این امر خود می‌تواند در ترغیب روستاییان به سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی مؤثر باشد.

- با توجه به اینکه احداث شهرک‌های صنعتی باعث کاهش مهاجرت به شهرها گردیده، پیشنهاد می‌شود که با استفاده بیشتر از نیروی کار محلی، زمینه‌ی کاهش مهاجرت و زمینه‌های مهاجرپذیری بیشتر در روستاها فراهم گردد.

- با توجه به رابطه بین استقرار شهرک‌های صنعتی و پتانسیل منطقه از لحاظ کشاورزی، ایجاد و تحکیم روابط و پیوندهای اقتصادی دو سویه و مکمل با فعالیت‌های اقتصادی نواحی روستایی و بازارهای محلی؛ استراتژی صنعتی شدن منطقه، مخصوصاً نواحی روستایی، باید دارای جهت‌گیری کشاورزی باشد، به طوری که بین صنایع ایجاد شده و اقتصاد روستا و کشاورزی پیوندهایی دوسویه و مکمل ایجاد شود. از این رو پیشنهاد می‌شود با توجه به ماهیت عمده فعالیت‌های اقتصادی منطقه، کشاورزی می‌باشد، صنایع تبدیلی و غذایی شهرک‌ها، به‌ویژه شهرک صنعتی شهاب به علت وجود اراضی حاصل‌خیز و مستعد آن منطقه، تقویت و گسترش یابند.

- با توجه به اینکه شهرک‌های صنعتی باعث افزایش فرصت‌های اشتغال شده‌اند، و با توجه به اینکه این امر می‌تواند زمینه لازم برای گسترش مشاغل غیرتخصصی جهت اشتغال فصلی کشاورزان منطقه نیز فراهم کند بنابراین، ارائه آموزش‌های تخصصی به این افراد منجر به افزایش سطح بهره‌وری در تولید صنایع و همچنین سطح درآمدی روستاییان می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود سازمان فنی و حرفه‌ای کشور اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه برای روستاییان مایل به اشتغال در بخش صنعت و ارائه مدرک به آنها نموده تا ضمن توانمندی هرچه بیشتر این افراد، زمینه اشتغال ثابت آنها (در صورت تمایل کشاورزان به‌ویژه در ایام خشکسالی) در بخش صنعت فراهم شود؛

- همچنین با توجه به اینکه استقرار شهرک‌های صنعتی در مناطق مذکور باعث افزایش تعداد کردگان روستاهای مجاور شده، پیشنهاد می‌شود که زمینه جذب و اشتغال بیشتر این افراد در شهرک‌ها فراهم شود.

- یکی از اثرات منفی استقرار شهرک‌های صنعتی در مناطق مذکور، کاهش علاقه فرزندان روستاییان به کشاورزی است، در این زمینه پیشنهاد می‌گردد که با دادن آگاهی به فرزندان از طریق آموزش‌های ترویجی، ارتباط تنگاتنگ صنعت و کشاورزی جهت رسیدن به پایداری برجسته‌تر شود و از این طریق به ایجاد رغبت در آنان جهت ورود به عرصه کشاورزی کمک شود.

منابع:

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴): مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران.
۲. پاپلی یزدی، محمد حسن، و محمد امیر ابرهیمی (۱۳۸۷): نظریه‌های توسعه روستایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم، تهران.
۳. حقیقی، س (۱۳۸۰): بررسی اثرات قطب صنعتی مبارکه بر توسعه کشاورزی منطقه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه جغرافیا، تهران.
۴. رضوانی، محمدرضا، مجید رمضان‌زاده لسبویی، و محمد محمدپور جابری (۱۳۷۹): «تحلیل اثرات اقتصادی-اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی موردی: ناحیه‌ی صنعتی سلیمان آباد تنکابن»، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۸، زاهدان، صص ۲۶-۵.
۵. سرور امینی، ش، و ع. اسدی، و خلیل کلانتری (۱۳۸۹): «بررسی اثرات شهرک صنعتی اشتهارد بر توسعه روستاهای همجوار»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۴، شماره ۲، تهران، صص ۲۳۸-۲۲۷.
۶. سعیدی، عباس (۱۳۷۷): مبانی جغرافیای روستایی. تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۷. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰): «نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی)»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۰، تهران، صص ۴۵-۳۳.

۸. کاسترو، فیدل (۱۳۶۵): بحران اقتصادی و اجتماعی جهان. ترجمه غلامرضا نصیر زاده، نشر امیرکبیر، تهران.
۹. کلانتری، خلیل (۱۳۸۰): برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری و تکنیک‌ها)، نشر خوشبین، چاپ اول، تهران.
۱۰. مطیعی لنگرودی، سیدحسین (۱۳۸۰): «اثرات اقتصادی- اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی» مطالعه موردی: شهرک صنعتی مشهد"، نشریه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶ (پیاپی ۶۱)، مشهد، صص ۳۸-۲۱.
۱۱. مطیعی لنگرودی، سیدحسین و علی اکبر نجفی کاتی (۱۳۸۶): «بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی- نمونه موردی: شهرستان بابل»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، تهران، صص ۱۶۵-۱۴۷.
۱۲. مطیعی لنگرودی، سید حسن، طورانی، علی و رضا سلیمان بیگی (۱۳۹۰): «ارزیابی پیامدهای فضایی استقرار شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان مینودشت»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره نهم، اصفهان، صص ۳۷-۵۸.
۱۳. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۷۸): طرح «تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری‌های صنعتی جهت تقویت مزیت‌های نسبی صادرات صنعتی»، مجری طرح مسعود هاشمیان اصفهانی.
14. Abraham, T. (1994): Rural industries and rural industrialization in developing economy; India experience. Journal of rural reconstruction.
15. Choi, H.S. (2001): Rural Industrialization through science and technology. Institute of industrial science and technology, Korea.
16. Hag, M.T., (1976), Industrialization in relation to integrated rural development with reference to Bangladesh; industry and development. No.4
17. Hang, Z., Zhang, X., & Zhu, Y. (2008): "The role of clustering in rural industrialization: A case study of the footwear industry in Wenzhou" China Economic Review, 19, 409-420.
18. Lee D. (2001). Diversification of the rural economy: a case study on rural industrialization in the republic of Korea. Presented at the Japan program/ INDES 2001, Conference Japan.
19. Misra, R. P., & Achyuta, R. N. (1990): Micro-level rural planning: principle, methods and case study, concept publishing company, new delhi.
20. Rogers, D, (1978): Industrialization in com Benefits and the rural community. Rural Sociology. Vol. 43.
21. UNIDO (1991): Industry and Development. Global report.
22. UNIDO (1984): The role of small and medium scale industries in OIC member states; No.9, p.487.
23. Wang, M., M. Webber., B. Finlayson., & J. Barnett, (2008): Rural industries and water pollution in China. Journal of Environmental Management, 86, 648-659.
24. Zhang, Xh, (1994): Rural -Urban Migration Restriction Capital Mobility and Rural Industrialization in China. Chinese Economy in Transudation, 29:20-26.